

موقعیت پناهگاه‌ها یا گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.

پر سپولیس رادر خانه هم شکست می‌دهیم



گواویوا، سرمربی کاشیمادر نشست خبری پیش از فینال برگشت آسیا می‌گوید: «همانطور که می‌دانید بازی رفت رادر خانه بردیم، اما می‌دانیم بازی برگشت خیلی خیلی سخت خواهد بود و ما بدون توجه به بازی رفت بازی خواهیم کرد و از دقیقه اول تا آخر سعی می‌کنیم خوب بازی کنیم. مطمئنا ارتباط کلامی بین من و بازیکنان سخت خواهد بود و باید از زبان بدن استفاده کنیم. اما تمام تلاشمان این است که خوب بازی کنیم و بازی را کنترل کنیم. البته این را می‌دانیم که پرسپولیس در خانه خوب بازی می‌کند. این اطلاعات را قبلا دریافت کردیم و امروز ما موریت ما این است که نخستین تیمی باشیم که پرسپولیس رادر خانه شکست بدهیم.»

پر سپولیس از ساعت ۱۸:۳۰ امروز با حمایت میلیون‌ها ایرانی برای جبران شکست بازی رفت و قهرمانی تاریخی در آسیا به میدان می‌رود

ما می‌توانیم



عکس تازیشی است

به پیشواز حضور قانونمند بانوان در استادبوم آزادی

تعبیر دقیق یک رویا

روایت دست‌اول و خواندنی از دختر خبرنگاری که تجربه حضور در استادبوم آزادی را از سر گذراند

بود، صف کم‌کم جلورفت و نوبت به من رسید. باید می‌رفتم روی سکوها. آن قدر هیجان داشتم که خودم هم یادم رفته بود دخترم، رفتم بالای سکوها و با ذوق و هیجان بی‌نظیری، آدم‌هایی را نگاه می‌کردم که دسته‌دسته به داخل محوطه استادبوم می‌رفتند. سرباز دویار آرام با دست زده به پهلویم و بعد از کمی مکث و نابلوری فهمیدم می‌توانم بروم. گیت دوم را هم رد کرده بودم. همین قدر محال و ممکن، پسر نبوده‌ام وسط استادبوم آزادی ایستاده بودم.

نخستین مواجهه با جمعیت

در بالاترین نقطه، روی سکوهای زیر ترده‌ها نشستیم. چند ردیف پایین تر پیچ‌ها شروع شد. همه سر برمی‌گرداندند و چیزی در گوش بغل دستی‌شان می‌گفتند. من هم برایشان سر تکان می‌دادم که «بله، منم دختری که توانسته ناچارانه از بین این گیت‌ها باورسی با بالاخره داخل بیاید و بازی تیم محبوبش را ببیند؛ خودم هستم.»

استادبوم یک دستس قمرز بود. تا به حال این همه آدم پرسپولیسی یک‌جا ندیده بودم. صدای بوق‌ها و شعرها گوش را کر می‌کرد، بوی گل و سیگار فضا را پر کرده بود. برای اولین بار در عمرم موج مکزیک‌ی رفتم، رفتار همه همان طور که انتظار می‌رفت بسیار دوستانه و محترمانه بود. یکی از تماشاگرها صندلی‌اش را بهم تعارف کرد و دیگری ساندویچش را نصف کرد و گفت: «بیا آجی» ساندویچ را از دستش گرفتم و بالاخره همان ساندویچ‌های معروف استادبوم بانان باگت‌هایی که یک لایه نازک از کالباس میان آن به چشم می‌خورد را جاشیدم. بغل دستی‌ام پرسید که دفعه اولی است که به استادبوم می‌آیم و به نشانه مثبت سر تکان دادم. دعا کرد که قدم خیر باشد و این بازی را ببریم.

این قمرز من هم هست

بعد از ساعت‌ها انتظار بازی پرسپولیس-السد شروع شد. خیلی از شعارها را بلد نبودم، آن قدر حواسم پرت جمعیت و آدم‌ها بود که وقتی اسامی تیم حریف هم اعلام می‌شد، از سر عادت بلند می‌گفتم «شیره» بعد که خوب دقت کردم تصمیم گرفتم تا بیشتر از این سوتی نندادم، ساکت شوم. وقتی در تلویزیون فوتبال می‌بینیم تمرکز روی زمین بازی و بازیکن‌هاست اما در فضای استادبوم این تماشاگرها هستند که سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و آن‌جا برای اولین بار می‌فهمی که فوتبال بدون تماشاگر هایش معنی ندارد، چقدر حرف درستی است.

از آن بالا خیلی چیزها را از دست می‌دهی؛ نه صدای سوت داور را می‌شنوی و نه صحنه آهسته‌ای می‌بینی، اما همین قدر کافی است که بدانی تیمت در حال حمله است و با هزاران نفر دیگر یک هدف مشترک در ذهن داری. پرسپولیس که گل اول را می‌خورد، بعد از ۵-۴ ساعت شلوغی و شعار و بوق و داد، کل استادبوم یک‌دفعه ساکت ساکت شد. انگار کسی زمان را نگه داشت، بعد از چند ثانیه آدم‌ها به خودشان می‌آیند و دوباره تشویق‌ها شروع می‌شود. توب که دست تیم حریف می‌افتد، صدای بی‌امان بوق‌ها فضای استادبوم را پر می‌کند. تماشاگرها جوری باصرا در بوق‌ها می‌دمند که انگار اگر تیم بیازد، مقصر اصلی همین‌هایی هستند که به اندازه کافی محکم فوت نکرده‌اند. سیامک نعمتی که گل مسلاوی را می‌زند، استادبوم یک‌دفعه منفجر می‌شود. از خوشحالی سراز بانمی شناسیم. بعضی‌ها برمی‌گردند و عقب‌را نگاه می‌کنند که ببینند یک دختر چقدر می‌تواند از گردلن تیش خوشحال باشد. من هم سرخوش با صدای دخترانه‌ام که در میان فریادهای مردانه گم شده، جیغ می‌کشم و خوشحالی می‌کنم.

بازی تمام می‌شود و سیل جمعیت به سمت درها راه می‌افتد. دلم می‌خواهد با ایستم و آدم‌ها را بیشتر تماشا کنم اما توصیه‌ام می‌کنند قبل از اینکه زیادی شلوغ شود، به سمت درهای خروجی بروم. تماشاگرها هر کدام به نوعی خوشحالی می‌کنند، عده‌ای شعارهای مثبت هجده می‌دهند. عده‌ای آهنگ می‌خوانند و چند نفری هم نشسته‌اند یک گوشه و گریه می‌کنند. این پایان یک رویای مشترک است و شروع تجربه‌ای برای یک دختر که با هیچ تجربه دیگری در زندگی قابل مقایسه نیست و بدون شک تکرار خواهد شد.

شهروند | کتاب لیگ قهرمانان آسیا این فصل برای پرسپولیس به صفحه آخر رسیده. چیزی تا حساس‌ترین ۹۰ دقیقه همه‌آنها می‌ماند که تا به امروز کنار اسم بزرگ پرسپولیس به سن‌شان اضافه شده‌اند. باقی‌مانده. حالا انگار تنها راه رسیدن به خوشبختی خالی گذاشتن همه صفحه‌های قبلی و نوشتن این جمله در آخرین صفحه کتاب است: «هید، آخرین چیزی است که می‌میرد.» هیچ‌کس نمی‌داند گابریل گارسینا مارکز نویسنده معاصر اهل کلمبیا که همین چهار سال پیش از دنیا رفت، وقتی این جمله را به زبان آورد، چرا می‌خواست خودش را از نامیدی دور نگاه دارد. اما همه می‌دانند این جمله یعنی برگشتن از سیاه‌ترین نقطه شب به سمت روشن‌ترین نقطه صبح. درست همان جایی که پرسپولیس بارها مرگ را ملاقات کرده، اما مثل یک کودک تازه متولد شده برای فرار از تاریکی فریادی بلند کشید. قمرزها در این مسیر چندباری نفس‌شان به شماره افتاده، اما هیچ‌وقت راه یک بغض ماندگار را به گلی‌شان باز نکرند. تا اینجا جای کار

همه بغض‌ها موقتی و برای گریه کردن از سر شوق بوده. ۹۰ دقیقه اول در ژاپن طوری تمام شد که تعجب خیلی‌ها را به همراه داشت. از دید همه‌آنها می‌ماند که تا به امروز لحظه‌به‌لحظه بازی شنبه هفته قبل رادر ذهن‌شان مرور کردند. الدحیل والسد حریفان به مراتب قوی‌تری نسبت به کاشیما برای پرسپولیس بودند، اما درست همان جایی که همه چیز نباید به‌امو او و انگار می‌شد، شکست ۲- صفر ترس را برای رسیدن به قهرمانی در دل قمرزها انداخته. آنها خوب می‌دانند بعد از پشت سر گذاشتن کوه بیخ‌های داخلی و خارجی اگر الان تایتانیک‌شان از مسیر خارج شود، چقدر این حسرت ماندگار و فراموش‌نشده خواهد بود. پس برای فرار از پرت‌شدن رویاها پشت‌بندترین دیوارهای دنیا باید مثل همیشه بجنگند. نیمه‌دوم این جنگ نابرابر همان جایی بر گزار خواهد شد که تیم برانکودر آن از جنگ‌های نابرابر قبلی سر بلند بیرون آمده. همان جایی که اتمسفری بی‌نظیر برای ممکن شدن غیر ممکن‌ها دارد. جایی که هزاران دست که بعد

۲۰۰ هوادار زن حامی پرسپولیس در آزادی

شهروند | یکی از الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا برای میزبانی تهران در فینال لیگ قهرمانان آسیا، حضور زنان در ورزشگاه بود که در هفته‌های اخیر هم ایهامات بسیار زیادی درباره آن وجود داشت. با توجه به این‌که در سیستم بلیت فروشی اینترنتی هیچ برنامهریزی شفافی برای فروش بلیت به زنان علاقه‌مند وجود نداشت، تقریبا همه باور داشتند که برای فینال باز هم خانواده‌ها نمی‌توانند به آزادی بیایند. منتهمی تأکید AFC باعث شد مدیران باز هم مثل بازی دوستانه تیم ملی با بولیوی مقدمات حضور ۲۰۰ هوادار زن را در آزادی فراهم کنند.

به این ترتیب خانواده بازیکنان و مدیران باشگاه پرسپولیس و کارمندان زن باشگاه، قدراسیون فوتبال و سازمان لیگ، به همراه تعدادی بانوی علاقه‌مند انتخاب شده امروز شانس حضور در آزادی را خواهند داشت و از قبل هم سکوی مخصوصی در جایگاه شماره ۵ طبقه اول برای آنها در نظر گرفته شده است. تعداد ۳۰ پلیس زن و همچنین همیار هوادار زن جهت برقراری نظم هم حضورشان نهایی شده است و در جلسه شورای تأمین هم صحبت‌های لازم برای هماهنگی ورود با مجوز آنها طبق شنیده‌ها انجام شده است.

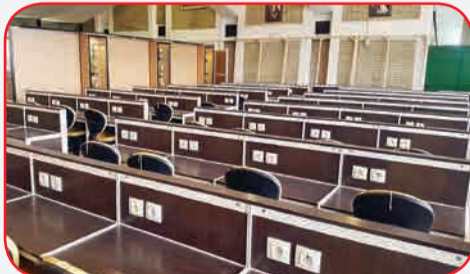
آنها طبق برنامهریزی با اتوبوس از ساعت ۱۷:۳۰ از محل آکادمی ملی فوتبال به ورزشگاه می‌آیند و با اتوبوس بعد از اتمام مسابقه آزادی را ترک خواهند کرد. خبرنگاران زنی هم که برای دریافت آی‌دی کارت مخصوص فینال در سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا ثبت‌نام کرده بودند دیروز با حضور در ورزشگاه آزادی آی‌دی کارت خود را دریافت کردند و به این ترتیب خبرنگاران و عکاسان زن هم اگر مشکل خاصی به وجود نیاید، امروز مسابقه فینال را پوشش خبری و تصویری خواهند داد.

گفتنی است؛ کانون هواداران پرسپولیس نیز طی روزهای اخیر اقدامات لازم برای سرگروه و لیدر بانوی این بخش را به صورت احتمالی در نظر گرفت و برای هماهنگی تشویق‌ها احتمالا دو لیدر زن هم این ۲۰۰ نفر را همراهی و هدایت خواهند کرد.

همه چیز د

شهروند | ورزشگاه آزادی در کمتر از یک ماه با کار شبانه‌روزی و بازسازی‌هایی که در آن به خاطر الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا انجام شده، استانداردهای لازم برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان آسیا را پیدا کرد. سپس لوزائوف رئیس اجرایی AFC در اظهار نظری عجیب اعلام کرد: «تعمیراتی که در ورزشگاه آزادی انجام شد شبیه به معجزه بود.» حالا اکثر کارشناسان و مردم منتقد موضوع مهمی را در شبکه‌های اجتماعی پیگیری می‌کنند؛ اینکه اگر مسئولان توانستند ظرف کمتر از یک ماه چنین عملیات خوب و گسترده‌ای را برای رفع نواقص استادبوم انجام بدهند، چرا این کار در سالیان اخیر انجام نشده بود. درست است که سوءمدیریت دلیل این اتفاق بوده، اما وعده جدی مسئولان شرکت توسعه و تجهیز برای ادامه بازسازی و ویژه در استادبوم ملی و پیر ایران همه را نسبت به این انتقادهایی توجه به آینده امیدوار کرد. ولی شاید خیلی‌ها دوست دارند بدانند چه اتفاقاتی در این مدت رخ داد که امروز پرسپولیس بتواند در ورزشگاه آزادی میزبان کاشیما در بازی برگشت فینال لیگ قهرمانان آسیا باشد؟ در این گزارش مهمترین کارهای عملیاتی انجام‌شده را با هم مرور می‌کنیم.

اهمیت دادن به رسانه‌ها



با توجه به تأکید کنفدراسیون فوتبال آسیا برای فراهم کردن مرکز رسانه‌ای برای خبرنگاران، بالاخره پس از سال‌ها این بخش از ورزشگاه به روی نمایندگان رسانه‌های گروهی باز شد. مرکز رسانه‌ای آزادی در طبقه دوم این استادبوم واقع شده که ده‌ها میز گذشته مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، اما با توجه به برگزاری فینال، سالن کنفرانس خبری هم به آن جابجایی شده. البته انتقادهای جدی به صندلی‌های بد تعبیه شده در این مرکز رسانه‌ای بوده، به این دلیل که مناسب کار خبرنگاران که در حال نوشتن و استفاده از لپ‌تاپ هستند، نیست. اتاق کنفرانس فعلی ورزشگاه آزادی هم به محل کار مسئولان برگزار می‌شده تبدیل خواهد شد و همچنین مرکز مخصوصی برای عکاسان خبری تعبیه شده است. برای داوران نیز اتاقک‌ها را در نظر گرفته شده و امکانات